



کوروش مدرسی

هفته منصور حکمت

در بزرگداشت دست آوردهای

یک زندگی پربار

صفحه ۴

جمعه ها منتشر میشود



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر محمود قزوینی 21 اردیبهشت 85-12 مه 2006

www.hekmatist.com



منصور حکمت، منتخب آثار
صفحه ۱
منتخب آثار



شماره 3 مجله تنوریک -
سیاسی "حکمت" در 380
صفحه منتشر شد

ضمیمه منتخب آثار منصور حکمت در ۱۰۰ صفحه منتشر شد.

- عدالتخواه شدن احمدی نژاد (در باره نامه احمدی نژاد به بوش)
- اظهارات برژینسکی، در باره بهانه هسته ای و سیاست ضربه پیشگیرانه
- برکناری جک استرا
- تبرئه شدن برگزار کنندگان اول مه مستقل در سقز و آزادی دستگیر شدگان اول مه تهران
محمود قزوینی در صفحه 2

"سارق"، "دزد" و غیره دادند. پاسخ ما، از طرف کوروش مدرسی، به این ادعا ها و این نوشته های سخیف همان وقت منتشر شد و برای ثبت در تاریخ در مقدمه این مجموعه نیز آمده است و ما را از پرداختن مجدد به آنها بی نیاز میسازد.

بخش مهمی از مطالب این مجموعه، مکتوب شده مباحثات شفاهی منصور حکمت است. اما مکتوب کردن این بحث ها، در حالیکه متأسفانه خود او نیست تا صحت انطباق آنها را با آنچه که مد نظر خودش بوده است تأیید کند، ما را ناچار میکند که به اصل گفتار او وفادار بمانیم علیرغم اینکه متن را پیچیده تر میکند. هر نوع ادبیت مضمونی در مکتوب کردن این گفته ها به ناچار رنگ سیاسی و قضاوت ادیبان را بر خود خواهد داشت و در شرایطی که منصور حکمت در میان ما نیست،

ضمیمه منتخب آثار یک جلدی ای که در سال گذشته چاپ شد منتشر کنیم. گذاشتن نام جلد ۲ بر این مجموعه دو مشکل را بوجود می آورد؛ اولاً - منتخب آثاری که در سال گذشته منتشر شد همانطور که از عنوان آن بر می آید یک جلدی است و جلد دوم آن معنی ندارد. ثانیاً عنوان جلد ۲ این شبیه را بوجود می آورد که مطالب این جلد از لحاظ زمانی متأخر تر هستند که اینطور نیست. از نظر زمانی این ضمیمه کل دوره فعالیت سیاسی منصور حکمت را میپوشاند. امید اینست که در آینده با آماده شدن متریال کافی منتخب آثار چند جلدی حکمت را منتشر کنیم.

متأسفانه در سال گذشته انتشار منتخب آثار منصور حکمت با عکس العمل هیستریک آنر ماجدی و رهبری جدید حزب کمونیست کارگری روبرو شد. آنها با "حق طبع محفوظ" آنر ماجدی بر این آثار و همچنین حق "ادبیت و ویراستاری و انتشار" انحصاری ایشان، به ما عنوان



در باره انتشار
منتخب آثار منصور
حکمت
مقدمه ایرج فرزاد

چاپ نشده او را نیز در بر گیرد. در ضمن در نظر داشتیم که اشتباهات منتخب آثار یک جلدی را هم تصحیح کنیم. دوستان زیادی محبت کردند و ما را از این اشتباهات مطلع کرده اند.

اما متأسفانه، این کار مقدور نشد و بنابراین ترجیح دادیم که بخش قابل توجه ای از مطالب آماده انتشار را بصورت

توضیح بنا را بر این گذاشته بودیم که به مناسبت هفته منصور حکمت در سال ۲۰۰۶، یک مجموعه دو جلدی از منتخب آثار او منتشر کنیم که علاوه بر ترکیبی از منتخب آثار یک جلدی، نوشته ها و آثار

عراق: "مردگان بی هویت!" قربانیان تحمیل هویت قومی و مذهبی فاتح شیخ در صفحه 4

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

دست بردن در این متون به نام او بدور از وجدان سیاسی و آکادمیک خواهد بود.

اکثر قریب به اتفاق این مباحث شفاهی توسط من پیاده، مقابله و ادیت شده اند.

این شامل آن متون کتبی ای نیز میشود که از سایت آرشیو آثار منصور حکمت (hekmat.public-archiv.net) که توسط خسرو داور اداره میشود برگرفته ام و همچنین متونی که توسط سعید یگانه، کورش مدرسی و فاتح شیخ پیاده و ادیت شده اند، میشود.

برای سهولت در خواندن بعضی از مطالب

تیتیر و سو تیتیر هائی انتخاب شده که از متن مباحث شفاهی استخراج کرده ام. در اصل مباحث شفاهی چنین تیتیر و سوتیتیر هائی موجود نیستند. لازم میدانم تاکید کنم که علیرغم همه وسواسی که جهت وفادار بودن به مباحث شفاهی منصور حکمت به خرج داده ام، مسئولیت کامل انطباق آنها را با مباحث شفاهی منصور حکمت کاملاً بر عهده من است.

هدف من و حزب حکمتیست از انتشار آثار منصور حکمت قابل دسترس کردن کمونیسم منصور حکمت است. یعنی انتشار کلیه آثار او بدون هیچگونه فیلتر و سانسور.

لازم میدانم که از کورش مدرسی بخاطر اینکه از آرشیو خود، تعداد زیادی از

مطالب و نامه هائی را که برای اولین بار انتشار بیرونی می یابند را در اختیار گذاشته است، از فاتح شیخ برای بر عهده گرفتن ادیت ادبی و مقابله آبا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن است، و سمینار منصور حکمت در انجمن مارکس لندن در سال ۲۰۰۰ تحت عنوان میانی کمونیسم کارگری، سمینار دوم، و همچنین از نسرین جلالی، داریوش نیکام و بهروز مدرسی برای تلاش شان برای چاپ این کتاب تشکر میکنم.

و بالاخره باید از خسرو داور باردیگر نهایت تشکر قلبی خود را اعلام کنم که بدون تلاش شبانه روزی او برای در دسترس گذاشتن آثار منصور حکمت در سایت آرشیو آثار منصور حکمت، انتشار

این مجموعه فعلی نیز ناممکن می بود. با تذکر بجای خسرو داور، بلافاصله بعد از انتشار مجموعه آثار یک جلدی متوجه شدم که مطلب "در باره وحدت" که به نام منصور حکمت درج شده است در واقع متعلق به حبیب فرزاد (ف. پرتو) است. با بت این اشتباه از شما و بویژه از حبیب فرزاد عذر میخواهم.

ایرج فرزاد آوریل ۲۰۰۶



عوض کنند. جنبش سرنگونی در ایران میتواند با سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری یک حکومت آزاد و سکولار در ایران، همه مسائل را عوض کند. جنبش ضد جنگ در غرب اگر با محوریت طبقه کارگر به میدان آید و جنبش اعتصابی، جای تظاهراتهای خیابانی را بگیرد، اردوی جنگی آمریکا را فلج میسازند و حتی حاکمیت دولتهای سرمایه داری در غرب را با خطر روبرو میسازند.

جنبش سرنگونی در ایران و جنبش ضد جنگ در غرب ماهیتاً به یک صف واحد، صف آزادی و برابری در مقابل بوش و احمدی نژاد تعلق دارند. تلاشهای بوش و احمدی نژاد برای دستمایه قرار دادن این جنبش ها برای اهداف جنگی شان باید خنثی شود و پاسخ رد بگیرد.

اظهارات برژینسکی، در باره بهانه هسته ای و سیاست ضربه پیشگیرانه

برژینسکی مشاور امنیت ملی ریاست جمهوری آمریکا در دوران دولت جیمی کارتر و یکی از سیاستمداران مهم آمریکا گفته است که: قدرتهای اتمی جهان باید به کشورهای فاقد سلاح اتمی تضمین دهند که به آنها حمله نخواهند کرد. او خواهان خاورمیانه‌ای عاری از جنگ افزارهای اتمی شد. و گفت اگر ایران تبدیل به یک قدرت اتمی شود، از هند و پاکستان یا تا اندازه‌ای اسرائیل خطرناکتر خواهد بود.

برژینسکی مخالف سیاسی بوش و جناح راست افراطی جمهوریخواه در هیات حاکمه آمریکا میباشد. او مانند اپوزیسیون دموکرات ایران، خود را ملزم به پذیرش مسئله بحران هسته ای ساخته بوش نمیبیند. به عنوان جناحی دیگری از بورژوازی امپریالیستی آمریکا، جایگاه این بحران را برای اجرای سیاست نظم نوین جهانی زیر سایه افراطی ترین جناح سیاسی هیات حاکمه آمریکا میسازد و آن را قبول ندارد. برای همین صورت مسئله برای برژینسکی برخلاف احزاب راست

جنبش اسلامی ممکن نیست. این کار جنبش های اجتماعی در خود غرب، کار جنبش طبقه کارگر و جنبش های عدالتخواهانه ضد جنگ میباشد.

هدف نامه احمدی نژاد، با هدف همان پیامهای جرج بوش در حمایت از مبارزات مردم ایران برای "دموکراسی" یکی است.

بوش هم همین کار را قبلاً انجام داده است و با نزدیکتر شدن احتمال حمله به ایران به این حمایت از "دموکراسی" در ایران شدن نیز بخشیده است. آمریکا میخواهد دموکراسی که در عراق برقرار کرده است را در ایران نیز برقرار کند. تفاوت در اینجاست که اینبار "دموکراسی" قرار است با بمباران هسته ای برقرار شود. میخواهند به بهانه دستیابی ایران به سلاح هسته ای که هنوز خودشان هم به آن مطمئن نیستند و آشکارا میگویند فقط مشکوکند، مردم و مندیبت یک کشور را با تحریم اقتصادی و بمباران و براه انداختن تحریکات و جنگهای قومی و مذهبی، نابود کنند و "دموکراسی" برقرار کنند. شکی نیست که امروز دیگر چنین فرخوانهایی از طرف اردوی جنگی بوش و بلر، بخشی از تبلیغات جنگی است. بخشی از آمادگی برای حمله و تضعیف روانی حریف میباشد. بوش میدانم مردم ایران خواهان برچیدن بساط حکومت اسلامی هستند، برای همین میخواهد در جنگش با جمهوری اسلامی، جنبش سرنگونی را به زیر پرچم جنگی خود در آورد.

احمدی نژاد و بوش، دولت آمریکا و دولت اسلامی ایران، میتوانند با شمارش جنایات بیشمار و نقض ابتدائی ترین حقوق انسانی از یکدیگر، یکدیگر را افشاء کنند. یکی مدافع دموکراسی ظاهر شود و دیگری مدافع مردم "مظلوم" جهان.

اما هم جنبش اعتراض ضد جنگ در غرب و هم مبارزه مردم ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی (جنبش سرنگونی)، میتوانند و توان آن را دارند که همه مسئله و حتی صورت مسئله را

عدالتخواه شدن احمدی نژاد

در باره نامه احمدی نژاد به بوش

احمدی نژاد به بوش نامه نوشته است، اما خطاب احمدی نژاد به بوش نیست. احمدی نژاد در این نامه تلاش کرده است تا بوش را از اعتراض افکار عمومی دنیا به جنگ و جنگ افروزی آمریکا بترساند. نامه به بوش بود، اما خطاب نامه بوش نبود.

احمدی نژاد با رندی خاص اسلامی خود، میخواهد اعتراض افکار عمومی دنیا به حمله آمریکا و جنگ افروزی آن را به حمایت از حکومت اسلامی بکشاند. احمدی نژاد در این نامه به جنایات آمریکا در جهان، به آلام و دردهای بشر، به فقر و گرسنگی اکثریت مردم کره زمین میپردازد. حتی مدافع سرباز آمریکایی میشود و برای او دل میسوزاند که چرا باید سربازان آمریکا به جنگ بر علیه مردم دیگر فرستاده شوند و مدافع حقوق آنها ظاهر میشود. مدافع حقوق مردم فلسطین ظاهر میشود، مدافع صلح ظاهر میشود، مدافع حق طلبی مردم جهان ظاهر میشود.

این تلاش جمهوری اسلامی برای جلب جنبش ضد جنگ و اعتراض جهانی مردم بر علیه جنگ و قدر قدرتی آمریکا، به نفع خود و برای حمایت از حکومت خود و جنبش اسلامی میباشد. احمدی نژاد در این نامه از موضع اسلام و حکومت اسلامی حرف نمیزند، بلکه از موضع یک "عدالت خواه" که مسلمان نیز میباشد ظاهر شده است. این برای جلب جنبش ضد جنگ که دارای آلترناتیو

و هدف روشنی نیست ظاهر مناسبی است. احمدی نژاد و جمهوری اسلامی در مقابله با حمله آمریکا حتماً از جنبش اسلامی و تروریسم اسلامی در جهان بهره خواهند گرفت و جهان را بیشتر در کام تروریسم فرو خواهد برد. اما احمدی نژاد میدانم شکست آمریکا و غرب در جنگ توسط

و چپ در اپوزیسیون ایران مسئله دستیابی ایران به بمب اتمی نیست. طرح او مبنی بر خلع سلاح اتمی خاورمیانه و تضمین عدم حمله نظامی کشورهای دارای قدرت اتمی به کشورهای فاقد قدرت اتمی که منظور آن تغییر سیاست ضربه پیشگیرانه و سیاستهای اتخاذ شده پس از 11 سپتامبر میباشد، از تصویب قطعنامه های خلع سلاح اتمی ایران در اپوزیسیون راست و برخی احزاب چپ ایران، سازنده تر، معقول تر است.

قطعنامه و خواست توقف خلع سلاح اتمی ایران که توسط جمهوریخواهان ملی، رضا پهلوی و حزب کمونیست کارگری ایران به تصویب رسیده است، پذیرش طرح مسئله توسط بوش در این جدال میباشد. اما برژینسکی صورت مسئله را از مسئله دستیابی ایران به بمب اتمی، به مسئله حمله نظامی آمریکا و سیاست ضربه پیشگیرانه آن برمیگرداند.

برکناری جک استر

برکناری جک استرا وزیر خارجه بریتانیا که مخالف حمله نظامی به ایران بوده است و چندین بار آن را بیان کرده است، نشان از فعل و انفعال جدی برای آمادگی برای حمله به ایران در هیات حاکمه آمریکا و انگلیس است. خبرگزاری ها گزارش داده اند که این برکناری زیر فشار مستقیم بوش صورت گرفته است.



اساس سوسیالیسم انسان است سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است

است و برگزاری مراسم علنی و مستقل اول ماه مه عادی شده است. تبرئه شدن برگزار کنندگان اول مه سقز و آزادی سریع دستگیر شدگان اول مه تهران، نزد همه به این تعبیر میشود که برگزاری مراسم مستقل اول مه نمیتواند جرمی برای کسی تلقی شود، برای همین فعالین کارگری و کارگران با جرات بیشتری پا جلو میگذارند و در حرکتیهای اعتراضی شرکت میکنند و در سال آینده شاهد مراسم با شکوهتر و گسترده تر اول مه خواهیم بود.

گلوله به آن را نیز در مجلس تصویب کرده است، اما هر روز شاهد دهها اعتصاب کارگری در ایران هستیم و تقریباً کمتر اتفاق میافتد که کارگری به جرم اعتصاب دستگیر شود و در صورت دستگیری سریع آزاد میشوند. علت آن در همین وسیع وسعت و تکرار دائم حرکت اعتصابی کارگران است. برگزاری مراسم اول ماه مه هم در سالهای اخیر به وضعیت حرکت اعتصابی درآمده است.

مراسم علنی اول ماه مه سقز، جزء اولین مراسمهای علنی مستقل در دوره اخیر بوده است. برگزار کنندگان و فعالین آن حرکت باید به عنوان پیشرو اولان حرکت مستقل اول ماه مه در دوره اخیر یاد کرد. از آن زمان تاکنون اوضاع تغییر کرده

و مردم ایران مسرت بخش است. پیشروی جنبش کارگری در دو سال اخیر، سربر آوردن تشکل های کارگری و مهمتر از آن برگزاری علنی مراسمهای اول ماه مه در دو سال گذشته و بخصوص مراسمهای علنی امسال در سنندج و تهران و فشار جهانی سازمانها و نهادهای کارگری به جمهوری اسلامی، از دلایل تغییر رای دادگاه استان کردستان و آزادی سریع فعالین کارگری دستگیر شده شرکت واحد در اول مه میباشد. نمیتوان در حالی که مراسمهای علنی اول ماه مه تقریباً به یک روتین عادی تبدیل شده است، عده ای را به دلیل اجرای آن محکوم به زندان کرد و یا به مدت طولانی در زندان نگه داشت. اعتصاب در ایران ممنوع و حرام اعلام شده است و حکومت حکم شلیک

تبرئه شدن برگزار کنندگان اول مه مستقل در سقز و آزادی دستگیر شدگان اول مه تهران

فعالین کارگری که به دلیل برگزاری مراسم مستقل اول مه در شهر سقز در سال ۸۳ توسط دادگاه شهر سقز به زندان محکوم شده بودند، در دادگاه تجدید نظر استان کردستان تبرئه شده اند و برگزار کنندگان مراسم اول مه امسال در تهران آزادی شده اند. این اخبار برای کارگران

تنها طبقه ای که به خاطر موقعیتش در اقتصاد و در جامعه قادر است این جامعه از هم گسخته را مجدداً به هم ببافد و در یک ساختار سیاسی و مدنی سکولار، پیشرو و مردمی متحد کند، طبقه کارگر است. "کنگره آزادی عراق" پروژه طبقه کارگر برای آزادی عراق از اشغال و از جنگ فرقه ای است. این یک پروژه واقعینانه است و تا همینجا نشان داده است که میتواند از حمایت روزافزون کارگران و مردم در داخل عراق و در سطح جهانی برخوردار شود و به نیرویی تعیین کننده در مبارزه طبقاتی و جدال قدرت جاری بدل گردد. انسانها و نیروهای آزادیخواهی که بطور جدی خواهان خروج عراق از وضعیت اشغال و از حمام خون فرقه ای کنونی هستند، راهی واقعی تر و کارسازتر از این در پیش رو ندارند که با تمام توان "کنگره آزادی عراق" و حزب کمونیست کارگری عراق را تقویت کنند.

ماه اخیر نشان داد که آنها هم قادر به یکسره کردن قدرت نخواهند بود. بعلاوه چه جریانات ناسیونالیست قومی عرب و چه جریانات اسلامی فقط با برپائی یک حمام خون به وسعت عراق میتوانند بر حریفان و رقیبان خود پیروز شوند و این در حال حاضر در قدرت هیچک از آنها نیست. دلیل سازشهای تاکتونی شان هم چیزی جز این نبوده است. اکنون باز شدن شکافهای این ائتلافها و آتش بس ها به جایی رسیده که پل زدن بر آنها نه دشوار بلکه محال است. بالانس موجود بیشتر حاصل فشار امریکاست که قدرت برتر عراق است و سفارتخانه اش در بغداد از قلمرو دولت واتیکان به مراتب وسیعتر و با اتکاء به نیروی نظامی اشغالگرش دهها بار قوی تر است. خروج عراق از وضعیت تراژیک و ویرانگر کنونی در گرو پایان دادن به اشغال و پائین کشیدن این ملقمه ضمرمدمی از قدرت است.

قرار داده است. بخصوص جدائی دوفاکتوی کردستان از سال ۱۹۹۱ به این سو از بقیه عراق، ظرف سه سال بعد از سقوط صدام هم، برخلاف ادعای رهبری دو حزب ناسیونالیست کرد، نه در جهت "اتحاد داوطلبانه" با بغداد، بلکه با شتاب بسیار بیشتری در جهت واگرائی و فاصله گرفتن بیشتر اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از مرکز و بقیه بخشهای عراق جلو رفته است.

جریانات ناسیونالیسم عرب هم که از معنی های شکست خورده، تا طیفی از ائتلاف موسوم به "سنی"، تا ائتلاف زیر رهبری علاوی را در بر میگردد در شرایط کنونی شانسی برای رفتن به راس قدرت بورژوائی عراق و متحد کردن بقیه زیر هژمونی خود ندارند. جریانات اسلامی که با حمایت رژیم اسلامی از شانس بیشتری در این زمینه برخوردارند نیز با موانع بسیاری در درون و بیرون خود روبرو هستند که بخصوص در چند

عراق مردگان بی هویت ...

ادامه از صفحه 4

را در یک ساختار سیاسی منسجم متحد کنند.

دو جریان حزبی ناسیونالیسم کرد که مقتدرترین نیروهای موجود سیاست امروز عراق هستند، علاوه بر تناقضات میان خود که هر روز از زیر روکش اتحادشان بیرون میزند، به دلایل تاریخی و سیاسی روشن در موقعیتی نیستند که به اتحاد سیاسی طبقه حاکم عراق در قالب یک دولت باثبات کمک کنند. برعکس، واقعیت اینست که کل پروژه تاریخی جدالهای تاکتونی شان با حکومتهای مرکزی و با ناسیونالیسم قومی فاشیستی عرب، آنها و قلمرو سلطه سیاسی و نظامی شان یعنی کردستان را در موقعیت فاصله گرفتن روزافزون از بقیه عراق

در بزرگداشت زندگی پربار منصور حکمت ۴-۱۱ ژوئن ۲۰۰۶

انجمن مارکس - حکمت

در بزرگداشت منصور حکمت بزرگترین متفکر مارکسیست

معاصرو بنیانگذار انجمن مارکس لندن ، شنبه ۳ ژوئن ۲۶

جمعه اردیبهشت ۵ ساعت ۱۱ تا ۴ بعداز ظهر

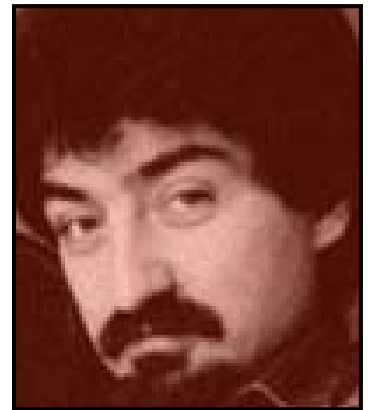
چهار سخنرانی پیرامون درافزوده های منصور حکمت به مارکسیسم

"سناریو سیاه" و سیاست کمونیستی مقابله با آن فاتح شیخ

کمونیسم و مسئله زن، قبل و بعد از منصور حکمت ثریا شهابی

درافزوده های حکمت در تنوری دولت ایرج فرزاد

منصور حکمت و ساختمان سوسیالیسم کورش مدرسی



بمناسبت هفته منصور

حکمت 4 تا 11 ژوئن

2006

مرگ بر جمهوری اسلامی زنده باد جمهوری سو سیالیستی!

هفته منصور حکمت

کوروش مدرسی:

سال 2003 هفته ای که تولد منصور حکمت (۴ ژوئن - ۱۵ خرداد) در آن قرار میگیرد هفته منصور حکمت اعلام شد. این هفته قرار است هفته بزرگداشت دست آوردهای زندگی کوتاه اما بسیار پربار منصور حکمت باشد. منصور حکمت را باید معرفی کرد، منصور حکمت را باید خواند، منصور حکمت را باید فهمید و منصور حکمت را باید شناخت و شناساند همانطور که با مارکس رفتار میکنیم. روشن است که این کاری نیست که در یک هفته قابل انجام باشد. برای ما، کسانی که خود را متعلق به سنت تئوریک، سیاسی و اجتماعی او میدانیم تعلق به این سنت چیزی جز تلاش دائم برای تغییر دنیا برای آزادی و برابری قطعی بشریت، یا آنطور که او گفت، برای بازگرداندن اختیار به انسان نیست. این یک تلاش و یک جدال دائم است و شناساندن منصور حکمت بخش لایتنجری این تلاش است. اما هفته منصور حکمت این امکان را بوجود می آورد که یک فعالیت متمرکز برای معرفی منصور حکمت را دامن بزنیم.

هفته منصور حکمت تنها جلسات بزرگداشت نیست. هفته منصور حکمت یک اکسیون سیاسی، به معنای متعارف آن هم نیست. هفته ای است که طی آن

در بزرگداشت دست آوردهای یک زندگی پربار

مجموعه ای وسیع از فعالیت و ابتکار برای شناساندن منصور حکمت و ارج نهادن به دست آوردهای زندگی او در همه عرصه ها را شامل میشود. هفته منصور حکمت در سالروز تولد او تلاشی است برای حرکت در آوند جامعه در ابعاد کلان برای بزرگداشت زندگی این انسان ترین متفکر عصر ما.

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هایی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانیهای دیگر بتوانند این رگه فکری را بشناسند و به آن بپیوندند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند. جمهوری اسلامی امروز این کار را ناممکن کرده است. اما جمهوری اسلامی به همت انقلاب مردم ایران و به یمن نقشی که تا هم اکنون منصور حکمت در سیاسی ایران و در دادن هویت انسانی به این انقلاب داشته است رفتنی است. در همان حال فلسفه ما، فلسفه مارکس،

کمونیسم و منصور حکمت، تن ندانند به دنیای موجود زیر هر توجیهی بوده است. هفته منصور حکمت هفته ای است که بیش از هر موقعیت دیگری باید رنگ این عدم تمکین به وضع موجود را منعکس کند. وجود جمهوری اسلامی در ایران دست ما را بسته است اما بلند پروازی ما و ابتکار ما بجای خود باقی است و با اتکا به همین بلند پروازی و ابتکار باید از امروز سنت هفته منصور حکمت را پایه ریزی کنیم..

هفته منصور حکمت تنها متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نیست. و محدود به ایران هم نیست. منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و از آن وسیعتر متعلق به انسانیت آزادیخواه و برابری طلب است. هفته منصور حکمت متعلق به هر انسان، هر جریبان، هر سازمان و هر نهادی است که خود را در آرمان منصور حکمت، در دنیای بهتر او، شریک میداند.

هیچ چیز مانع از آن نیست که در این هفته در ایران و در خارج کشور اعضا و دوستان حزب و دوستانان منصور حکمت، هر نهاد، سازمان و جریبانی هر کسی که خود را متعلق به سنت او میدانند دست آوردهای او را ارج مینهد به این حرکت بپیوندند. کاری را در دستور خود بگذارند. میشود جلسات یا سمینارهای

ویژه گرفت، میشود اعضای حزب هر جا که هستند در ایران یا در خارج، در خانه های حزب یا اجتماعات ممکن دیگر در ایران یکی از نوشته های او را به بحث بگذارند. حتی اگر یک نفر هم هستنید میشود عده ای دیگر را جمع کنید منصور حکمت را معرفی کنید، نوشته ای از او را به بحث بگذارید. میشود در رابطه با انتشار آثار او کمک ویژه ای کرد، میشود میز کتاب های ویژه گذاشت، میشود به انتشار نوشته های او کمک کرد، میشود برای بنیاد منصور حکمت کاری کرد، میشود جزوه کتاب یا نوشته ای از او را بازتکثیر کرد و به دست دیگران رساند. میشود در مورد ایده های او در مورد مسئله پناهندگان، در مورد رهائی زنان، در مورد انسان، در مورد کودک، در مورد سیاست، فلسفه، اقتصاد، در مورد سوسیالیسم، در مورد هر چیز دیگری را معرفی کرد، خواند و به بحث گذاشت و کسان دیگری را به او جلب کرد. میشود در سطح بین المللی او را معرفی کرد. میشود پوستر او را پخش کرد، میشود نوارهای او را تکثیر و توزیع کرد. میشود هزار کار کرد. هر برنامه ای که دارید، هر کاری که میکنید را به اطلاع ما برسانید. مهم این است که ما این هفته را هفته منصور حکمت کنیم. دنیا باید او را بشناسد. باید از امروز سنت این هفته را بگذاریم.

پس از "انتخابات" دسامبر در صددند به مردم عراق تحمیل کنند جز کفدراسیونی سکتی- مذهبی و شوینستی - قومی نیست که از آتش بس های شکننده گذشته و به مرحله جنگ داخلی و کشتار نامحدود فرقه ای رسیده است.

این اعتراف را باید جدی گرفت. وضعیت سیاسی عراق، از دید ناظران ابژکتیو از مدتها پیش با بی ثباتی پایدار در بالا و گسترش اعتراضات در پایین توصیف شده است، منتهاست که "جنگ داخلی" دارودسته های حاکم بعنوان یک واقعیت جاری در عراق مشاهده میشود. اعتراف ولو ضمنی رئیس ائتلاف حاکم بر عراق به این واقعیت، فراخوانی به مردم برای جلوگیری از رفتن، برای تقویت و گسترش ابزارهای سیاسی و نظامی خود در جهت دست بردن به قدرت و خاتمه دادن به اشغال و به تاخت و تاز و جنگ و جدال مذهبی و قومی و فرقه ای در آن جامعه و جایگزینی آن با یک نظام سکولار و مردمی متکی به نیروی متحد و سازمانیافته خود مردم است.

هیچیک از جریانات و جنبش ها و احزاب و باندهای بازیگر در صحنه خونین حاکم بر عراق در موقعیتی نیستند که بتوانند بر تناقضات موجود غلبه کنند و بورژوازی

ادامه در صفحه 3

عراق: "مردگان بی هویت!"

قربانیان تحمیل هویت قومی و مذهبی

هم مثله کرده اند تا بازشناسی نشود. پدیده "مردگان بی هویت" اخیرا در میدیای عراق و کشورهای عرب، همچون افشاکر تکانهنده توحش فرقه ای در عراق، بازتاب وسیعی یافته است. "مردگان بی هویت" قربانیان جنگ و اشغال دولتهای آمریکا، انگلیس و پروژه "نظم نوین"شان، قربانیان دارودسته های اسلامی و ناسیونالیست و قومپرست به قدرت رسیده در پناه جنگ و اشغال، قربانیان جان تازه گرفتن راه و رسم و قوانین کپک زده شریعه و حشیره، قربانیان سناریو سیاه توحشی هستند که این ملقمه ضددمدی بر سرنوشت مردم عراق تحمیل کرده اند.

روز چهارشنبه دهم مه، بیانیه ای با امضای رئیس جمهوری عراق با اشاره به اینکه تنها طرف یک ماه گذشته و تنها در بغداد، کشتارهای فرقه ای حدود ۱۱۰۰ قربانی گرفته است، این کشتارها را



در عراق هر روز دهها انسان در گورهایی دفن میشوند که بر خاکشان اتیکت مفواتی: "مجهول الهویه" با یک شماره سریال نشانده اند! این گورها آلترناتیو علنی گورهای مخفی رژیم بعث اند؛ آنجا مردگانی خوابیده اند که هویت واقعی شان مشخص نیست، در عین حال که قربانی هویتهای غیرواقعی اند. انسان قربانی از نظر قاتلان، یک شخص نبوده و فرقی ندارد که اسمش نسرين یا جميله يا اباد، آزاد، فلاح، عزیز و غیره بوده باشد. چون "سنی" بوده! چون "شیعه" بوده! چون "زن فرودست بیحقوق" بوده و "ناموس" کسی بوده! چون "کرد" بوده! چون "ترکمان" بوده! چون "عرب" بوده! او را کشته اند. "مجهول الهویه" انسانی است که باندهای قومی، مذهبی، میلیتاریا مافیائی، رنگ هویت قومی یا مذهبی به چهره اش پاشیده اند، بر حسب آن رنگ برچسب "دشمن"، "بیگانه"، "بی ناموس" و ... به پیشانی اش زده اند، در اوج قساوت جانش را گرفته اند و جنازه اش را

ضمیمه کمونیست 93 ویژه خطر جنگ را بخوانید